

از: دکتر عزیزاله سلیم پور
نیس - فرانسه

نامه ای به دوستان مسلمانم در باره اسلام فوبیا - اسلاموفوبی

« مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید هم میترسد »

ضرب المثل فارسی

عزیزم و او با زبان کودکی جواب میداد ولی «میترسم، میترسم!»

خدا را شکر روانشناسان و روانپزشکان راههایی برای کمک به این بیماران دارند. یکی از آنها رهایی از «انعکاس شرطی» است. (Deconditionnement) بطور مثال به کودکی که از یک سگ میترسد و وحشت دارد یک سگ پارچه ای یا ماهوتی کوچک را از فاصله کمی دور نشان میدهند و در حالیکه دست او را در دست دارند برایش شعری بچگانه میخوانند و نقلی یا آب نباتی در دهانش میگذارند فردای آن روز همین کار را میکنند ولی این بار سگ مصنوعی را کمی به او نزدیک تر میکنند، بهمین ترتیب پیش میروند تا هنگامیکه بجای سگ مصنوعی یک سگ واقعی را به کودک نشان میدهند و کم کم ترس او ریخته خود با او شروع به بازی میکند. و آروز میتوان گفت «فوبی» او از سگ شفا یافته است. برگردیم به اسلام فوبی. من دوران کودکی و جوانی ام را در کشوری مسلمان گذرانیده ام که صمیمی ترین دوستانم از میان آنانند. هرگز نه از اسلام وحشت داشته ام نه از مسلمانان. چه کسی پیش از واقعه ۱۱ سپتامبر نیویورک که در کمتر از ۲۰ دقیقه چند هزار نفر به وادی مرگ روانه شدند واژه «اسلام فوبی» را شنیده بود. مگر نه اینکه آدم نمایان که این مردم بیگناه را اینگونه وحشتناک بکام مرگ فرستادند آنرا بنام اسلام انجام دادند؟! مگر کسانی که هر روز صدها انسان بیگناه از پیر و جوان گرفته، زن و مرد، از هر دین و مسلکی، حتی مسلمانان را در یک لحظه نابود میکنند بنام اسلام و الله اکبر گویان این کار را انجام نمیدهند؟

مگر نه اینکه بیماران را در بیمارستان، کودکان را در کودکستان، دختر بچه ها را در مدارس، جوانان را در رستورانها با انفجار کمر بند انتحاری که بخود بسته اند در یک لحظه به کشتن میدهند و میگویند اسلام به آنها قول داد که در آسمان ۷۰ دختر باکره در انتظار این قاتلین هستند؟
آیا اگر من و شما و یا رهبران سیاسی، ترس انسانهایی که

مدتی است واژه «اسلام فوبیا» یا بفرانسه «ایسلاموفوبی» که شاید بازگردانش را بفارسی «وحشت از اسلام» بتوان نامید بر سر زبان ها افتاده است. مسلمانان به این پدیده اعتراض میکنند، رهبران مذهبی از مسئولین سیاسی درخواست محکوم کردن آنها مینمایند و رهبران سیاسی که هر کدام بفکر منافع خویشند با شیوه ها و جملات گوناگون «وحشت از اسلام» را محکوم میکنند.

من بعنوان یک روانپزشک «فوبی»ها را خوب میشناسم و میدانم درد مبتلایان به این بیماری چقدر طاقت فرسا است. گرچه منظور از این مقاله تحلیل و تجزیه علمی در مورد فوبی ها نیست ولی شاید در وهله اول لازم باشد چند کلامی در باره آشنائی خوانندگان عزیز با آن نوشته شود. «فوبی» یک ترس وحشت زا و درد آور از یک موجود، یک حالت، یک چیز و یا حتی یک تصور است. هستند کسانی که اگر ۵ دقیقه آسانسورشان متوقف شود وحشت میکنند و ممکن است حتی از این وحشت برای اندک زمانی هوش خود را از دست بدهند. کسان دیگری هستند که پا گذاشتن به فروشگاههای بزرگ و یا میدانهای پررفت و آمد آنها را چنان به وحشت میاندازد که هفته ها و ماهها از خانه بیرون نمیروند مگر کسی آنها را همراهی کند و یار افرادی که از سگ یا گربه ای که من و شما آنها را حیواناتی ملوس و دوست انسانها مینامیم چنان به وحشت و هراس می افتند که هر جا که باشند با حرکاتی کودکانه فرار را بر قرار ترجیح میدهند. ترس از مار، سوسک و پشه ... و ... و ...

آیا تصور میکنید ما بتوانیم با محکوم کردن این روانپزشکی ها مبتلایان این بیماریها را شفا دهیم؟

ایکاش میتوانستیم حتی با دلیل و منطق به کودکی که از دیدن یک سگ مامانی به سرحد جنون میرسد بفهمانیم که ترس و وحشت او بیجا است و ما آنها محکوم میکنیم!!

فراموش نمیکنم دخترک زیبای ۵ ساله ای که از دیدن بعضی فیلمها وحشت میکرد. مادرش به او میگفت ترس

بی تشویش قادر به سوار هواپیما شدن نیستند را محکوم کنیم و یا اگر ترس از مردان ریشوی اخمو و زنهای مخفی در چادر و مقنعه را سرزنش کنیم، مبتلایان را نجات خواهیم داد؟

آیا فکر میکنید با استفاده از متد «رهائی از انعکاس شرطی» مثلاً اول یک تروریست پارچه ای به مردم از راه دور نشان دهیم و یواش یواش آنرا به یک تروریست واقعی تبدیل کنیم، ترس از تروریسم که آدم نمایان بنام اسلام انجام میدهند از میان میرود؟

شاید بگوئید این آدم نمایان که «اسلام فوبی» را ایجاد کرده اند فقط یک اقلیت هستند. و من با شما صد در صد موافقم ولی سؤال از شما این است، پس آن اکثریت مسلمانان واقعی صلح جو و انساندوست، آن وارثان مسلمانان دوران؟؟؟؟ آندلوسی کجا هستند؟ چرا خود را نشان نمیدهند؟ آنها که برای مسائل هزاران بار کوچکتر در خیابانهای فرانسه در کنار کمونیست ها و اکولوژیستها براه میافتند تا به قتل شیخ یاسین فلسطینی اعتراض کنند امروز کجایند؟

این آنانند که با معرفی اسلام واقعی میتوانند به کمک مبتلایان اسلام فوبی بشتابند و آنان را شفا دهند.

خوشبختانه کم کم آوای این مسلمانان صلح جو و انساندوست بگوش میرسد تا بجائی که برادر محمد موا که در شهر تولوز فرانسه در کودکستان کودکان بیگناه را به وضع فجیعی بقتل رسانید، کتابی نوشته و اسلام منحرف را محکوم میکند. از این بهتر گروهی از امامان مساجد فرانسه هفته پیش به اسرائیل رفتند تا بر مزار این قربانیان سر تعظیم فرود آورند. مطمئن باشید اسلام فوبی کم کم بدست خاموشی سپرده خواهد شد و فردا از امروز روشن تر خواهد بود و:

مژده ای دل که مسیحا نفسی میآید

که ز انفاس خوشش بوی کسی میآید